



نظرات مهندس علیرضا شیخ عطار معاون امور جنگ و مشاور وزیر

صنایع پیرامون «اقتصاد جنگ»

# نقش جنگ در تغییر بنیادها و ساختارهای تولید صنعتی

پاشیده شود و شیرازه امور از هم بگسند. چون دولتمردان هم به علت وجود همان عناصر نابرابر، احتمالاً توان نظم بخشیدن به فضاها را نداشته‌اند. نهایتاً حکومت باید سرنگون شود و آن حکومتی که مورد نظر ایرانیان صدام هست، روی کار بیاید. به طور طبیعی در این رابطه بهترین ابزار دشمن برای رسیدن به هدفش، ایجاد فشارهای اقتصادی بود. یا به عبارتی، فرارم آوردن یک شرایط اقتصادی که مردم را نتوانند در فشار و تنگنا قرار دهد که نیت دشمن خروه بخورد تحقق پیدا کند.

غروب مملکتی که اقتصادش پیش از انقلاب تک محسوس بود، یعنی در آمد ارزی، ماصرفاً از نفت تأمین می شد و نفت هم که عوامل استکبار در سیاست گذاری فروش قیمت و تولیدش نقش بسیار مستقیم دارند، مملکتی که صنعت و تولیدش نتواند به ارزش نفتی آلوده شده بود که با کمترین نوسان دراز مدت، دچار ارزشها و حتی ارزشهای می شود و مسئله ایجاد می کرد، به همین جهت می بینیم وقتی که جنگ شروع می شود ابتدا فرصت صدور نفت و مازاد کالای ایجاد می کنند. پالایشگاهها، چاههای نفتی و حتی مناطق نفت خیز را سعی می کنند به تصرف درآورند و باز به همین جهت است که می بینیم از زمان روزهای اول شروع جنگ با استفاده از استراتژی پنجم و عوامل تبلیغاتی در جهت ایجاد جنگ روانی، کاری می کنند که کالاهای اساسی مردم کمیاب شود، مردم نگران و مضطرب شوند، صفها ایجاد شود، در هر ضی چند روز بازارهای سیاه انجمنی به وجود آید و تمام اینها تأییدی است به مطلبی که گفتیم دشمن می خرد است با استفاده از ابزارهای اقتصادی، حکومت را سرنگون کند. اما خوشبختانه

اسبن مسئله هرچگونه عملی نشد. علش هم این بود که محاسبات دشمن شاید در مانی حاکم بر تفکر جهانی صحیح بود. اما بنیاد حاکم بر جمهوری اسلامی درست در نمی آمد. دشمن اصولاً در مانی محاسبه اشتباه کرده بود. لذا مضایق اقتصادی هم اولاً در حد مورد خوارت دشمن بوجود نیامد و اگر هم بوجود آمد چون مانی اعتقادی مردم در محاسبات دشمن به حساب نیامد بود. این مضایق موجب افسار گسیختگی مردم و اعتراضات و فشارهای آنان نشد.

به طوری که می بینیم با وجود اینکه کشور ما در طول تاریخ نیم قرن اخیر تجربه جنگ وسیعی را نداشته - بجز جنگ دوم جهانی که یک نیمی از آن بر ما وارد و رفت - جنگ تمام عرصه را تجربه نکرده و عوامل حکومتی و قاده ارتقا نظام ما هم که اساساً در اداره حکومت می تجربه بودند چندان بیگناهی به نین از پیروان انقلاب می گذشت که جنگ شروع شد. اما با کمک مردم، محاسبات و سیاست گزارهای ما که به سمت ویژه در روزهای اول بسیاری از ترسها را خنثی کرد. یکی از این سیاست گزارها مسئله مهمه پندی کالاهای اساسی بود که در آن زمان در دولت شهید جابری و به سمت ایشان و بارش به طریق مناسبی پناه شد و ترانس جبری مسئله ایجاد کمپوندا، بازار سیاه و لغظی و انجور صابلی را که حتی با برنامه ریزیهای قلبی و فعالیت ستون پنجم و عوامل دشمن بوجود می آمد بگرد.

در میان مدت با بلند مدت در تسهیلات دیگری اندیشیده شد. مردم همت کردند و مقدار بسیار زیادتری از این توطئه‌ها را خنثی کردند.

این مقدمه را گفتیم تا برسیم به مسئله صنعت.

## بخش صنعت، جنگ و تولید

در رشته های اقتصادی کشور، صنایع فاقد تأسیسات از پیش همه باید از جنگ آسیب می دیدند. چرا که وابستگی صنایع به ارزش نفتی، مواد اولیه و قطعات خارجی، بیش از سایر رشته‌ها بود و حتی تحویل گران‌بایا بیش‌ترین بیشت می کردند که در زودی کارخانه‌ها تعطیل و تولید صنعتی به رکود کشیده می شود. اما در فصل دینیم که اینطور نشد. با وجودی که فروش نفت در سال ۵۹ تا مدتی نزدیک به قطع بود و مدتی با قطع یا حداقل میزان فروش کمرده‌اند، اما با همکاری صنایع و واحدهای تولیدی با یکدیگر و بخصوص صنعتی

شیوه های علمی و اجرایی در افزایش قابلیت ها، بهره گیری از امکانات بانو و انطباق امکانات موجود با شرایط موجود - شرایط جنگی - از جمله فاکتورهای اساسی در ساسی برای جامعه‌ی است که نظریه پردازان و برنامه ریزان آن در سطوح مختلفه نظام اقتصاد را همراهِ همراهِ جنگ پیش برانند و حتی از شرایط ویژه جنگی در تصمیم آساح و بهره‌رساندن اقتصادی، سودجویند.

جمع بست آنچه در سالهای اخیر و در تب و تاب جنگ و استوفاظی بر کشور ما داشته‌اند، برکنار از فرار و فرودها و کشتن ها و واکنش های مقطعی، تجربه است که امروز به اعتبار آن و به آشنایی آن، مسئولین اجرایی را در چابک‌اندازی از تجربه شانماند است. تا ضمن داوری گسترده‌تر آنها نسبت به گذشته اقتصاد جنگ، جامعه را نیز توانوان در دوران کارگرد آنها باشد.

گزارش حاضر فراهم آمده از گفتگویی با مهندس علیرضا شیخ عطار معاون امور جنگ و مشاور وزیر صنایع است که به صورت یک تحلیلی کلی پیرامون صنایع و جنگ، به نظر خوانندگان عزیز می رسد.

\*\*\*  
تعالی صلح و سلام است

البته محاسبه با توجه به مانی محاسباتی شان خیلی هم بی ربط نبود. چرا که مملکتی که تازه انقلاب کرده و شرایط اجتماعی درستی را نیافته است، بحران سیاسی هم دراز وجود یک عده افراد ناپاک که در دستگاه حکومتی بودند - محاسبات لبراهای همی مستمر - ایجاد می کرد که با یک حمله نظامی آن مانی اقتصادی درهم ریخته، کلا ازم

بسم الله الرحمن الرحیم - آنچه که از استاد و قرآن قر سلفه اخیر بر می آید، مسلم می سازد که جنگ برای سرنگونی جمهوری اسلامی برنامته‌شید. دل چرا که جمهوری اسلامی به عنوان یک پدیده خطرناک برای زورمردان و مستکبرانی که در دنیا حکومت می کنند، غیر قابل تحمل بود.

اما به نظر نمی رسد که آنها تا این حد ساده اندیش بودند که تصور می کردند با آغاز جنگ و هجوم نیروهای بیگانه به خاک و مهورشان از مرزها دردمت کسی بتوانند به شیوه فیزیکی و از طریق نیروی بیگانه به مرکز حکومت برسند و آن را سرنگون کنند و همان کاری را که مثلا هیتلر در آغاز جنگ جهانی دوم با کشورهای اروپایی انجام داد، برای ایجاد حکومتی تازه، اگر فرار دهند. با توجه به شرایط ویژه جغرافیایی و اجتماعی ایران وجود چنین طرخی بیگانه بود است. بلکه به نظر می رسد با ایجاد جنگ می توانست شرایطی را به مردم تحویل کند تا در این شرایط، معیشت آنها

آنها با دولت و پارلی فدرالت با آنها، اجرای سیاستهای سهمیه بندی و عرضه نسبتاً عادلانه ارز و مراد اولیای صنعت کشور است. - خبر از مازادهای که در یک گروه تولید دیده بودند -

تولید به آمار گشته است. در آغاز جنگ که بیشترین فشار را داشتیم با ارسال ۳۰۰ صیغ کارخانه‌ای را به خاطر آفرانچینگ تعطیل شدیم. باهمین منظور بود که در آن مدت کوتاه توانسته باشند در ایستگاه عرضه‌شان از میزان نقد یک نوع همکاری و شریک درواشند با یکدیگر بود. مدیران دولتی، خصوصی، ملت و دولت با همکاری هم توانستند معادلاتی از مشکل را بر سر خود تقسیم کنند. بنابراین بار مشکل کشور شد. پس از حدود سال ۶۰ - ۶۱ که جنگ به نفع نیروهای اسلام متوقف شد و طبعاً در آمدهای ارزی هم بهبود پیدا کرد، ما حتی شاهد رشد و توسعه و شکوفایی در تولیداتمان بودیم. یعنی وقتی آمراهای سالهای ۶۱ تا ۶۳ را نگاه می‌کنیم با یک روند افزایشی تولیدات روبرو می‌شویم. حتی نسبت به برخی انقلاب صفحات اقتصادی روزنامه‌ها و برنامه‌های اقتصادی در صدا و سیما مرتباً افزایش و صحت‌هایی از افزایش تولید را ارائه کرده و نمایش می‌دهد که این خود از مسایل جالب توجه در شرایط جنگی یک کشور است.

البته درست است که وقتی تاریخ جنگها را نگاه می‌کنیم در چین در آمریکا و آلمان در زمان جنگ تولید ناخالص ملی یک مرتبه تا دو برابر افزایش پیدا می‌کرد و صنعت در آن کشورها به شکوفایی می‌رسد اما باید به یاد داشته باشیم که این صنعت، صنعت خود کالایی بوده و وابسته نبود و طبعاً در زمان جنگ به علت نیاز جنگ، به مصرف، باید بیشتر تولید کردند و از جهاتی وضع اقتصادشان هم بهتر شد و به خصوص در آمریکا، رکودی که از سال ۱۹۲۹ تا پیش از آن بود و تا پیش از شروع جنگ هم کاملاً پیش آمده‌باشت، شکسته شد. اما صنعت کشور ما وابسته بود و فاصله تا اثر

پس از حدود سال ۶۰ و ۶۱ که جنگ که به نفع نیروهای اسلام متوقف شد و در آمدهای ارزی بهبود پیدا کرد، مشاهده و رشد توسعه و شکوفایی در تولیداتمان بودیم.

جنگ می‌توانست زمین می‌خورد این انتظار نشد و در بسیاری از موارد افزایش تولید هم داشتیم.

در یک سیاست میان مدته، یکی از کارهای که در صنایع ما انجام گرفت، جایگزینی نیروهای وابسته به خارج بود. البته این جایگزینی از آمار ما در داخل هم به هم تنگ بود. در همه جا امکان پذیر نبود. نتواند امکان داشت با منابع داخلی و آنچه که امکان نداشت منابع تأمین مواد که سالهای سال ثابت و از کشورهای خاصی بود، صنعت کشور رشد درست است که در درونیا دوست و همسایه در حدی که داشته کشورها پس از آن است. بنابراین، وقتی دشمنی همه کشورهای جنوبی باهمراه نیست و شبها در آمریکا و کشورهای گوناگونی پیدا می‌شد که به خاطر منافع اقتصادی خودشان حاضر بودند با ما حتی با شرایط خوبی وارد معامله می‌شدند این هم یکی از انگیزه‌های بود که ما منابع را صرفت کردیم.

مورد دیگر در این رابطه با جنگ و شرکت مستقیم صنعت در جنگ بود. این مبحث به ویژه در طول ۳۰ ساله اخیر عملاً حقیقتاً پیدا کرده است. صنعت ما تا ۳۰ سال پیش به عنوان شایسته جنگ محسوب می‌شد. پیش از آن صنعت ما تأمین نیروی انسانی برای همه‌ها و تأمین کسب‌های مالی و جنسی بود. اما از ۳۰ سال پیش به اینطرفه صنعت شرکت جنگ شد. این معنا که مخصوصاً سرمایه‌داری جنگ در سالهای اخیر تغییراتی پیدا کرد و دامنه حولات

در گمبهای ما با دشمن گسترده شد و هدف این قرار گرفت که هر چه زودتر حکومت ایلمی صدام سرنگون شود. در نتیجه فعالیت صنعت در دامنه مصرف جنگ و مصرف اقلام مختلف مورد نیاز جنگ، پیشتر شد.

صنعت با این روند گسترده نمی‌توانست با به پای جنگ پیش برآید و صرف بود که ما فقط پدیده‌های ناشی به عبارت بهتر، دیگر نمی‌شد بگوئیم اگر کانهای رزمی ما جنگ شان را بکنند و تسلیحات صنعتی ما هم تولیدات عرض را انجام ندهد. در اینجا همه همراه با هم باید جنگند و شریک شدن صنعت در جنگ، تولید مستقیم برای جنگ بود. در ۳۰ ساله اخیر بر اثر ترفته‌های جهانی برای به تسکت کشیدن نظم جمهوری اسلامی، قیمت نفت کاهش یافت و هدف آن هم با اهداف تحمیل جنگ بر ایران یکی بود که آنهم تسکت خورد.

## ساخت مصرفی، مشکل صنایع در زمان جنگ

در شرایطی که صنعت، از کمتری داره و چهار مشکل ارزی شد، چالش است که می‌بینیم حضور و فعالیتها در جنگ بیشتر از گذشته می‌شود. صنعت نه تنها تعطیل نمی‌شود، بلکه فعالیتها وارد جنگ می‌شود. آنگاه کم نیست کارخانه‌های که تولید حصد شان را مستقیماً برای نیازهای جبهه از مهمات و اقلام بهداشتی گرفته تا خوراک و پوشاک مورد نیاز در میدان‌های نبرد و داد و ستد، و علت این بوده است که کارخانگان صنعت و صاحبان واحدهای تولیدی هم از مدیران دولتی یا خصوصی، نوعاً بر این باور بوده‌اند که جنگ در راهی امور است و تا وقتی که صنعت جنگ و خطرات دشمن برای - سه‌ویستی ما رابع نشده است، تولید و اقتصاد حوضار مشکل خواهد داشت. بنابراین تولید و صنعت هم باید با به پای واحدگان در به پای رساندن

صنایع به افزایش تولید، تحلیل گران دنیا پیش بینی می‌کردند به زودی کارخانجات تعطیل و تولید صنعتی به رکود کشیده می‌شود.

پدرزمنانه جنگ کوشا باشد. وقتی ما این فصل را باز می‌کنیم، مسائل بسیاری را در آن می‌بینیم. مشاهده می‌کنیم با کمتری صنعتی مدته برای مصرف گران کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای و مواد اولیه تولید بود. در جهان استبدادی بویژه آمدن و به عنوان بازاری برای کالاهای مطرح جبهه بود. صنعتی تا ۳۰ سال پیش کشورها، صنعتی مستقیماً کالاهای مصرفی به جهان عرضه می‌کردند. در ۲۰ سال پیش مستقیماً یک مقدار تسکت کرد تا کالاهای مصرفی درخود جبهه سوم تولید شود. صنعتی با کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه بلوکهای شرق و غربی.

ما چنین صنعتی داشتیم و مدیران ما به گونه‌ای بودند که نه تنها تغییر خط تولید را در دشمنان نمی‌توانستند تصور کنند بلکه حتی تغییر منابع تأمین را هم نمی‌توانستند مجسم کنند. ولی شرایط جنگی گزاری کرده است که مدیران ما که کارخانجاتی که معلا برای تولید اقلام منزل برهه آمده، امروز مهمات تولید می‌کنند. در کارخانه‌های که فرضا برای ساخت یک تولید مصرفی در صنایع قزاقی ایجاد شده، آنگاه اقلام مصرفی مستقیم جنگ تولید می‌شود. یعنی دقیقاً خطوط تولید را تغییر داده‌اند.

مدیران این فعالیت را دارد که در نتایج تولیدی را اصلاح کند بلکه همچنان تغییراتی ایجاد کند که محصولاتش با محصولات تولیدی اولی، از زمین تا آسمان تغییر داشته باشد.

صنعتساز مدیران ما امروز در اثر شرایط جنگی و به خصوص فشار ارزی توانسته‌اند به آنجایی رسند که صورتی جدیدی در شرایط منابع داخلی داشته‌اند. امروز ما در هر کارخانه‌ای که می‌بینیم، هم چنین فکری که در لغت معنی کارخانه و مدیر تولید کارخانه و تمامی پرسنل صنعت است که با یکدیگر برای فعالیت و ما در مصرفی مان هم فعالیتها کرده و منابع داخلی را بهبود

شما برای اینکه مطالبه‌ای کنید به واحدی می‌توانید از واحدهای تولیدی کوچک‌تولید کشور که در صنایع ساز و ساخت هم صنعت یک بررسی داشته‌باشند. میزان رشد آنها و گرم شدن بازار آنها، یکی از مواردی است که گفتیم امروز صنعتی برای یک کارخانه می‌شکند. گفتیم فوری به قسمت بازگشتن آنس طرف برای من از منبع هزینه‌های ضروری ما باید که گشتایش ارزی کنیم. بلکه کارخانه تمام تلاش را دارد که یک سزانه داخلی را پیدا کند که این فاصله را در کشور برسد.

این هم در وقت گفت که از برکات جنگ بوده است. بنابراین می‌بینیم که معادلات دشمن از لحاظ به زانو در آوردن ما به خطا رفت.

## نقش جنگ در افزایش قابلیت صنایع

طبق تئوریت مدون از جنگهای بزرگ با بین المللی، معمولاً در شرایط جنگی، یک کشور سعی می‌کند تمام منابعش را از استهلاک و تخصیص دهد و حتی منابع صنعتی گرانتری آنی و استهلاک را باید خود فخره کند. از جای دیگری این وضعیت، وقتی روی داده‌های جنگی هم مورد مطالعه می‌کنیم می‌بینیم که به حدی که به عنوان مسئله مهمی گزاری و نور کربن خطوط تولید و ماشین‌ها به آنها با تمام ظرفیت و تمام توان از واحدهای موجود کار می‌کنند تا کالا تولید کنند و به جبهه ما برسانند. اما ما در کنار این تلاش‌ها که واحدهای تولیدی داشتیم، در حد توان هم به سرمایه‌گذاری و ایجاد واحدهای تولیدی و خطوط تولید جدید و خرید ماشین آلات نو توجه کردیم. تا پیش از کاهش قیمتهای نفت، بیشتر سرمایه‌های دولتی و وزارت صنایع مستقر می‌کرد. از ارز دولتی یعنی ارزی نفتی، برای ارزی را که دولت در اثر فروش نفت کسب کرده بود، در اختیار سرمایه‌گذاران برای ایجاد واحدهای تولیدی قرار می‌داد.

اما پس از صنعت قیمتهای نفت، طبعاً محدودیت فرانسوی در این رابطه پیش می‌آید و طبیعتاً است که جایگاه کارخانجات ما برای مصرف مواد تولید شان مشکل گزاری دارند. این روانی است که ما از آنها برای سرمایه‌گذاری جدید بگیریم. اما در وزارت صنایع این تصمیم هم گرفته نشد که سرمایه‌گذاران خصوصی، صرفت کامل متوقف شود. بلکه به مناسبتی اعلام شد که امروز می‌توانیم خود را عرضه‌کننده گزاری کرد. ارز دولتی در اختیارشان نیست. برودن ۲ ممل از راههای رفتن نفتی استفاده کنند این مسئله تا حدود ۳ سال پیش اعلام شد. تا شاید در دوره‌های اول کمی معذب بود چون بر اثر سیاستهای رژیم گذشته، صادرات نفتی به غیر قدری افزایش یافته بود که می‌توانست در حدی که چینی ارزی به عنوان یک منبع قابل محاسبه، نگاه نمی‌شد. چیزی حدود ۲ تا ۳ درصد از درآمدهای ارزی ما از صادرات نفتی بود. اما پس از صنعت قیمت نفت، صنعت نیز برای ارزی داشتیم. که مردم و دولت به فکر تأمین منابع ارزی رفتن نفتی توانستند از جمله اولین سازمانهایی که استفاده از ارز غیر نفتی را مورد نظر قرار داد. وزارت صنایع بود که در رابطه با سرمایه‌گذاری‌های جدید از آن سود جست و اعلام شد که در شرایط اصولی با ارز متقاضی داده خواهد شد که این اصلاحات جدید بود.

در این زمینه آمار ما نشان دهنده موفقیت نسبی است. البته هر چه که زمان بگذرد ما بهتر می‌توانیم تحلیل کنیم. در ۹ ماهه اول سال ۱۳۶۵ تعداد ۱۷۸۱ نفر، درآمد اصلی صنایع شده که از این تعداد ۵۱۷ نفر، موقت با ارز خود

مقتضیان بوده است و پیش بینی می شود تا آخر سال این تعداد به ۹۵۰ فقره برسد  
در حالیکه در سال ۶۴ که این طرح اولین سال خود را می گذراند از ۱۹۱۷ فقره موافقت اصولی صادره ۱۷۰ مورد با ارز

بده پس از انقلاب و به ویژه پس از شروع جنگ، خطراتی به سرراهی گذرانان و توجه به سرمایه کاری در مناطق محروم - که برخی از مناطق جنگی را هم شامل می شود - افزایش یافت. از جمله در سال ۱۳۵۵ به میزان ۲۲۰۰۰ مورد موافقت اصولی و پروانه های صادره از وزارت صنایع مربوط به مناطق محروم بود ولی در سال ۱۳۶۳ این رقم به ۱/۵ درصد و در ۶ ماه اول سال ۶۵ به ۸/۷ درصد رسید. ملاحظه می کنید استقرار صنایع در مناطق محروم روشی جدید بوده است.

فصلیات دیگری که در طول جنگ پیروید آمد و در صنایع کشور ما سابقه نداشت اما زود رشد کرد. صنعت بازسازی صنایع است. بر اثر حمله دشمن تعداد بسیاری از واحدهای تولیدی اعم از کوچک و بزرگ و مهمه های آن حدود ۶۱ کال بوده بازسازی به صنایع اختصاص یافت ولی حدود ۶۰۰۰ میلیون تومان بابت بازسازی صنایع تنها از طریق وزارت صنایع هزینه شد. این رقم ششزدهم و اسیامه به وزارت صنایع کشور و وزارت معادن و فلزات و وزارت نفت است. چون آنها هم صنعت محسوب می شوند و در بازسازی فعالیت های چشمگیری داشته اند. این رقم تنها مربوط به وزارت صنایع می شود. البته بازسازی در اولین جنگ با شرایط کنونی تفاوت های دارد. در ابتدای جنگ واحدهای تولیدی صنایع اشغال شده با تزریق خطه به کار آید بهرمان با تصرف دشمن آسیب دید که پس از بیرون راندن دشمن یعنی از خاک کشورمان، در مدت بسیار کوتاهی در محل خودشان با مصلحت های دیگری بازسازی شدند. اما در مدت اخیر که دشمن حملاتی را به واحدهای صنعتی ما فرستاده است، صنایع محروم و مناطق جنگی و مستحکمتر از حدت بسیار کوتاهی و پیچیده ترین کارهای بازسازی را انجام می دهد و موشکخانه می توانم اعلام کنیم هیچ مورد تولیدی که به خاطر مسئله جنگ از حیز انفعال خارج شده باشد نداریم.

**\* اگر صنعت نتوانسته به طریق بایسته انقلاب و جنگ، خودش را تغییر دهد، این ناشی از خودمحوری و وسیله های شخصی نبوده است.**

**\* وقتی ۵۰ تا ۶۰ سال، صنعتی روی یک پایه خاص شکل گرفته است، نباید انتظار داشت در مدتی کوتاه آن را برهم زد.**

**\* تغییر الگوی مصرف یک روزه در دوره امکان پذیر نیست، کار افزایش است و منی توان آن را دفعتاً انجام داد.**

**\* ما ادعا نداریم جلوتر و درحدت بسیار هستیم. اما خیلی هم عقب نیستیم.**

واحدهای تولیدی با دوری که بخشی از آنها شناخته می شود، بسیار زود بازسازی شده و تولید می شود.

### شیوه های برخورد با تنگنای ارزی

بدون تردید در سیاست گروها و روش های ایرانی سابقه ای پس از جنگ به نارسایی های نیز بر می خورد که می تواند انتقاد را نیز بکشد. ما بر این باوریم که در انتقادی اگر درست باشد لازم نیست در حد توجه آن برآیم. منتفی پاسخ من اینست که نسبت به نارسایی به طریق بنامه انقلاب و جنگ، خودش را تغییر دهد. این ناشی از عدم محرومیت و وسیله های شخصی نبوده است. صورت فعلی صنعت ما که ۷۰ - ۸۰ سال پیش تنها آن بسته شد با طرز تفکر خاصی به مشکلات آمد، رشد پیدا کرد و تا سال ۵۷ که ۵۰ سال سابقه دارد وجود داشته. یعنی وقتی ۵۰ تا ۶۰ سال، صنعتی روی یک پایه خاص شکل گرفته است، انتظار نباید داشت که در مدتی کوتاه آن را برهم زد. ضرورت به هرگز، عوارضی خواهد داشت که آن عوارضی کمتر از عوارضی ایجاد یافت نامرست صنعت نیست. به عنوان نمونه، عوارض نیکواری، صنایع کوچک کارخانجات را تعطیل کنید، از یک طرف بیگاری ایجاد می کنید و از یک طرف کالایی را که مردم به مصرف آن عادت دارند، عرضه نمی کنید.

این شریک و دوست با هم بازرسی نیستند تغییر الگوی مصرف هم یک روزه و امروزه امکان ندارد کارفرمائی است و آن را دفعتاً نمی شود انجام داد. به طول زمان نیاز دارد و من فکر می کنم مدتی که انقلاب می گذرد تغییراتی که در کارکنان تولیدی و چه در کارکنان مصرف در حد شرایط جنگ، وضع یافت و این بهیچ وجه برآوردن رزق سالیانه دولت انجام ندهد. بسیار آرزوی منی می بود، فاصله نماند؛ ملاحظه کنیم بطور واضح و ظریف حساسیت مسئولان هم طریقی نسبت به این امور نبود که بگویند تغییرات مسافرا در هر طرف به ترتیب و سلا می باشد. در حدت این زمان ایجاد انقلاب هم مطرح بود. ولی عملکرد نگاهش و کارناگویی، عوارض و نتایج درین وقت که به بصاحت انقلاب نبود.

ما امروز می نباید که مثلا در زمینه های شخصی ارز، به علت کارخانه های ارزی اولی و ثانی می شود. مثلا در دوره کارگاهی اساسی و دارای باصلاحیت ساختنی اساسی مانند مسیله، حتی می شود با بهره ایچک مبلغ ارزی صنایع در مقایسه با قبل به شدت کاهش یافته است. صنعت شخصی نیست به قبل شده. باید تغییر به نسبت چراغ دیگر باشد یعنی اگر روزی رونق پیدا کند و مساله گذشته را مقایسه کنید، تغییر چشمی نکرده است. مسیله تفاوت رفتنی ندارد. از این رو قطعاً نمی گویید شده و عملیات نباید.

ولی در پایان این می بینید که در بعضی از اقلام مصرفی که چنان هم ضروری است کارخانه اولی و دومین حتی نمی گویید آن کارخانه تعطیل کنید. چون قانونی که است. تواریم تواریم تعطیل کنیم. امرای می به واحد عدم ازبوسی با شخصی ارز می دهیم. خوش قطعاً فکر می کند ما به این اعتقاد داریم و خیلی هافم فکر کرده است. با شخصی ارز می کند. تغییر شرط تولید می دهد مثالی می زیم. کارخانجات کفش ما مقایسه معتضات خود با شخصی مصرف می کردند. خوب به اینها ارزی شده اند. باید رفتند به خیال خود ارزی ضایعات که در کشور ما بسیار زیاد شد. خریدن یک گام مثبت است، یکدیگر نمی توانیم بگویم کارخانه کفش را تعطیل کنید. اما وقتی به تدریج از کمک می شود، خودش به فکر می افتد و مواد خارجی نمی بماند. کنی، روی مسایلی اشغال و مسایلی کارگری حساسیت داریم.

نه فقط وزارت صنایع بلکه دولت هم این تاکیه دارد و تمام تلاش دولت بر اینست که کارگران و کارکنان صنعت نه تنها بیگاری نکنند، بلکه برای نسل جوانی هم که با سرعت وارد

**\* صنعت ما تا ۲-۳ سال پیش به عنوان پشتیبان جنگ محسوب می شد. اما از این پس، صنعت شریک جنگ شد.**

**\* تا پیش از کاهش قیمت های نفت، بیشتر موافقت های اصولی که وزارت صنایع صادر می کرد با ارز دولتی یعنی ارز نفتی بود.**

**\* در ۹ ماه اول سال ۱۳۶۵ تعداد ۱۶۸۱ فقره موافقت اصولی صادر شده که ۵۱۷ فقره آن با ارز متقاضی بوده است.**

کارهای ارزی شود کار پیدا کند و سرمایه گذارهایی که گفته شده در ضمن رابطه است. در زمینه تخصصی در زمینه تغییر الگوی مصرف، نمی تواند بدون در نظر گرفتن مسئله اشغال باشد. نمونه هایی از کارخانجات ما داریم که باط تولیدشان از عوارض گرفته اند. صنایع تأمین مواد خود را تغییر داده اند که کمترین لطفه را بخورند. ضمن اینکه صرفاً تطبیق واحدهای تولیدی مسئله را حل نمی کند بلکه تغییر الگوی مصرف پیش از آنکه یک حرکت اقتصادی باشد یک حرکت فرهنگی است. خودشناسی میانی این حرکت هم در اعتقادات ما وجود دارد. تماماً باید در طول زمان کار شود و مردم را به این نکته برسانیم.

### مردم، جنگ و اولویت های اقتصادی

شاید در موارد مشابه در دیگر جوامع، توجه مسئولین به جنگ و اولویت دادن به مسایلی جنگ، آنها را از توجه لازم به مردم و پاسخگویی به نیازهای اساسی اولی و ثانیه داشته باشد. اما اینکه بگویند مسئولین کشور ما در این توجه به جنگ، از مردم غافل شده اند درست نیست. اولی و ثانیه جنگ تولیدی توجه به مردم است. چرا که اگر تکلیف جنگ یکسره نشود نظام، جامعه، اعتقادات و همه چیز، به خطر می افتد. بنابراین الان ارزشمندترین چیز نزد مردم اولی و ثانیه است. اعتقادات است، عقیدات و حکومت و جامعه می برساند آن اعتقادات باشد است. بنابراین توجه به جنگ در اولی و ثانیه به مردم است.

الله زمانی که متاع محدود می شود، شما انتظار نداشته باشید که تأمین نیازها محدود شود. از طرفی به فرمایش امام جعفر در رأس امور است و ایامی جنگ است که حیات و صحت مردم در آن است. بنابراین حسن اینکه متاع ما محدود می شود. به خاطر همان مردم نباید مانعی را که به جنگ تخصیص داده بودیم محدود کنیم. یعنی درست است که ممکن است منابع تولیدی ما نسبت به سال گذشته به نصف رسیده باشد، اما تخصصی ارز به جنگ هیچ تغییر نکرده است. این بهیچ وجه کار مردمی است. یعنی اگر تخصصی ارز به جنگ را کم کنید، شبهه ای را در مردم زده ایم. از طرفی منابع کلی ما محدود شده و از طرف دیگر آن قسمت از متاع به جنگ تغییر پیدا نکرده است. بنابراین است به سایر قسمتهای غیر از جنگ فشار می آید. کاری که مسئولین در این رابطه انجام می دهند، چیست؟ یا باید

چشمان را بیندند و بگویند مردم خودگردان هستند که مسئولین این کار را نکرده و نگذاشت که مردم هر کاری میخواهند بفرمایند انجام میدهند ما دولتی داریم که در طبقه نهاد سیاست و مزارعین برودت ساعت وقت میگذرانند برای اینکه نیازهای مردم را برآورند کند مسئولین در آن منابع محدود به نیازها اولویت می‌دهند.

امروز واحدهای تولیدی در ۸ ماهه اول اسفند را برای اثبات مسخیم می‌گویم.  
بعضی از اقلام داریم که با وجود همین محدودیت انرژی، در آنها افزایش تولید داشته‌ایم، مثلا شیر و لبنیات نسبت به سال گذشته ۴ درصد افزایش داشته، الیاف پلیستر ۱۶/۶ درصد افزایش نشان می‌دهد، نخ تایلورن ۱۲/۵ درصد، نخفته چندان به ۳ درصد انواع داروهای ۹ تا ۹ درصد، آمپول ۲۱ درصد، کیسول ۱۸ درصد، قرص ۱۲ درصد، سیمان ۱۱ درصد و فرد.

طریقت اسمی کارخانجات تولید سیمان ما نزدیک به ۱۷ میلیون تن است، با همین افزایش بیش از ۱۳ میلیون تن تولید دارند و این برشرایطی است که مسختمه بر برای ما داریم اما در قبال آن می‌بینیم که چیزهایی تولیدشان کرده‌اند که از جمله آن اقلام که مردم هم می‌گویند چرا پیدا نمی‌شود چرا گرفت است که ۸۰ درصد کاهش تولید داشته، سیخول و فریزر ۴۲ درصد، لایب تصویر تلویزیون ۵۰ درصد و تلویزیون ۳۰ درصد در قبال آن داریم که بیش از ۲۰۰ تلویزیون مصرف داشته فقط ۲ درصد افت تولید داشته است.

می‌بینید که ما این منابع محدود ارز را به گرونی‌ها در واحدهای تولیدی تقسیم کرده‌ایم که اقلام اساسی تر افزایش تولید و اقلام مصرفی تر کاهش تولید داشته است. کاهش تولید چرا گرفت و تلویزیون به نفع مصالح مسلک است. بنابراین مسئولین آمدند و همین منابع محدود را به اولویت‌های چندگانه تخصیص داده‌اند.

یکی از اولویت‌ها بند از کالاهای اساسی، اولویت کالاهای صادراتی است. کارخانجاتی که تولیدشان امکان صادرات دارد حتی دارای تنخواه گردان ارزی می‌شوند ارز به آنها وگذازم می‌شود که مواد اولیه بیاورند، تولید کنند، صادر کنند و ارز را برگردانند.

مسئولین، مردم رایج حال خود را نکرده‌اند اما شرایط برشرایطی است که محدودیت می‌آورند.

**\* تمام تلاش دولت برای این است که کارگران و کارکنان صنعت نه تنها بیکار نشوند، بلکه برای نسل جوانی هم که به سرعت وارد بازارکار می‌شوند، کار پیدا کند.**

**\* بخش بازرگانی با سهولت بیشتری از اعتبارات بانکی استفاده می‌کند. درحالی‌که بخش تولید شرایط دشوارتری برای دریافت این امکانات دارد.**

**\* اگر مجموعه قوانین توزیع و بازرگانی را در کنار قوانین تولید بگذاریم، می‌شود گفت کمتر به بخش تولید در زمینه قانونگذاری توجه شده است.**

### خلای قانونی در بخش بازرگانی

اشاره کردیم با بخش بازرگانی برخورد نامحسوس می‌شود. ما هم قبول داریم، یعنی این کلیت را بیش از همه بخش تولید دارد چون بخش بازرگانی در اقتصاد است بود مردم است، اما آن بخشی که متحرک و گریزناک است سازماندهی شده است. صنعت است و بیشترین شرکتها را دارد.

همیشه تولید صنعت چه از ارزی که به بخش بازرگانی واسطه گری وگذازم می‌شود وجه از نقدینگی و اعتبارات بانکی که در دسترس حتی سیاستهای بانکی ما در ناله رو سیاستهای گذشته است. یعنی بخش بازرگانی ما با سهولت بیشتری می‌تواند اعتبارات بانکی را که در حقیقت اداره می‌کنند و بتقاضی کننده اقتصاد کشور است دریافت کند و بخش تولیدی ما شرایط دشواری برای دریافت این امکانات دارد. ما هم از این مساله شاک می‌شویم و به نظر من این برمی‌گردد به تقسیم قانون. قوانین مستقیم ما متحرک تکمیل نشد است. یعنی شاید ما اگر مجموعه قوانینی را که در رابطه با توزیع و بازرگانی وجود دارد در کنار قوانینی که برای تولید هست، بگذاریم، در کجیت آنها هم می‌شود گفت که کمتر به این بخش توجه شده است و ما همیشه در مجلس شورای اسلامی با وضع قوانین مناسب و اساسی اطلاعات رفقه اسلامی، هرچه زودتر به این خلا، قانونی داشته‌ایم. بعد از این وجود هم قبول داریم که این مسائل تشدید شده‌اند. باشد چون وقتی بخواهیم با گذشته مقایسه کنیم وضع تولید کنند از لحاظ تسهیلات اعتباری با صاحبان تعاونی، نسبت به قبل بهتر شده، اما بافت بخش خدمات ما آنچنان است که قسیم و سرمایه‌گر و مریضی است که ما با این تسهیلات بیشتری که برای بخش تولید ایجاد شده، اما بافت هنوز هیچ تگانی نخورده و این حرکتها باید ادامه پیدا کند اما اینکه بگوییم وضع بهتر شده، بی‌معنای است.

### سیاستهای ارزی در شرایط جنگی

درمورد سیاستهای ارزی من معتقد است استفاده از ارز برزینتی بد نیست. امروزه مورد توجه بوده است اگر ارز لری استفاده نشدند، شاید امروز ما نمی‌توانستیم این چنین مغلغله‌ها بگوئیم که صنعت ما هنوز تعطیل شده است و یا بافت تولید نیز مریض کالاهای غیر اساسی بوده است.

استفاده از ارز موجب ادامه تولید و عدم قطع آن و بروز بحران‌های کنونی بوده است. وقتی ما فکر کنیم چنگی با این صنعت هستیم باید سعی کنیم کمترین آسیب و قشار به جامعه وارد شود.

درجه بندی‌های بیکه هم عقیده وزارت صنایع بر این است. که بایستی بیکه اگر بطور صریح تولیدین و تعیین شود می‌تواند یکی از راه حل‌های مصلحتی و وسیله مصلحت صنایع کشور باشد. البته در اینجا، بیکه نباید بصورت تقلیدی مورد توجه قرار گیرد و باید مبنای اقتصادی و ارزشی درمورد ارزی این مسئله مورد نظر قرار گیرد.

می‌توان به شکلی مقررات این شیوه را تدوین کرد که خسارات آن به حداقل برسد و بهره و استفاده آن برای کشور بیشتر شود.

این در مورد استفاده از امکانات باقوه ارزی است که مورد استفاده قرار نگرفته است. امکانات باقوه کشور بهر طریق ممکن باید به فعلیت درآید، به عنوان مثال اگر خدمات در خدمت تولید باقوه در صورت پالایش این نسبت تولید نیز داشته باشد. البته این امکان ندارد. امکان تصدیع ما این است که بخش خدمات در خدمت تولید نیست. خدمات در خدمت تولید یک امپراطوری مستقل است که تولید را در زیر پای خود می‌کند.

وزارت صنایع در حد برنامه‌های پیش بینی شده، سعی کرده است نمایان اقلام بوجه و صدور موافقت‌های اصولی معمولی را مدنظر داشته باشد. ضمن اینکه مأمور داریم که بخش صنعت از جریان اشتغال زایی در کشور کمک مانده است. رفع این عقب ماندگی نیاز به تخصیص منابع دوربرد

**\* «بای یک» در اجرا نباید به صورت تقلیدی باشد بلکه باید مبنای اعتقادی و ارزشی ما را نیز در برگیرد.**

**\* خدمات در کشور، خود یک امپراطوری صنعت است که تولید را در زیر پای خود له می‌کند.**

**\* ما قبول داریم که بخش صنعت از جریان اشتغال زایی در کشور عقب مانده است.**

**\* اگر ارزی که در طول سال گذشته به کالاهای غیر ضروری اختصاص یافته است به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای اختصاص می‌دادیم، بسیار بهتر بود.**

منابع متعددی دارد که در شرایط فعلی به لحاظ مشکلات گوناگون با محدودیت‌های در این زمینه روبرو هستیم. ما در طول جنگ تلاش انجام دادیم که فشار بر مردم در حد ممکن کم شود ولی این تلاش ما به عادی سازی وضعیت کشور تبدیل شد. این عادی سازی با شرایط جنگی در معاینات وارد دلیلی برای این مساله وجود ندارد که در شرایط جنگی همه چیز را عادی سازیم. این طرز فکر دموکراسی از پیروزی های جنگ یعنی سالهای ۲۲ و ۲۳ تا امروز هم ولی ما همیشه در این زمینه فکر صریح نبوده است اما امروز آشنی لفظی را هم باید به یاریت که حداقل نود تا صد است. کما که ما همیشه بدون این طرز فکر می‌بریم. مسلما همین طرز فکر چند را قبول داریم ولی در اینده خواهد شد. در این باره می‌توان اظهار نظر کنیم. در همین حال آنچه که از ترس خود مسئولین با لفظی می‌بایم این است که از روند گذشته زیاد راضی نبوده اند که بخواهند آرا داشته‌اند. به هر حال درمورد استفاده از امکانات باقوه باید اذعان کرد که در شرایط فعلی کشور نه تنها از همه امکانات باقوه، بلکه مقدس کشور استفاده شده است. بلکه مجلس امکانات باقوه اساسی کشور را نیز بطور کامل مورد استفاده قرار نداده‌ایم.

ما حتی از امکانات باقوه فرسنگی خود نیز بهره کامل نبرده ایم اما این ترسیدن به حد مطلوبی به دلیل عدم اعتقاد به بهره برداری کامل از امکانات نبوده است بلکه به دلیل تنگناهای بوده که در میان میان وجود داشته است. به عنوان نمونه درمورد استفاده از منابع گازی کشور باید توجه داشت که بهره برداری از منابع بدون تخصیص ارزی امکان پذیر نیست. و حداقل آن این است که سرمایه گذاری اولیه برای لازم دارد. بطور کلی و خلاصه باید بگوئیم که آنچه که تا حالا گذشته است، ضمن اینکه ممکن است به شکل اداره کرد که گذشته در طول ۱۰ سال جنگ کمتر فشار را تحمل کرده است. اما معنی آن نیست که از بهره‌ای از این نتایجش اند می‌داریم. شرکت غیر مصلحتی در طول ۱۰ سال گذشته در این مساله شکی وجود ندارد که اگر ۱۰ سال گذشته از ارزی که به کالاهای غیر ضروری اختصاص داده شده است، در واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای اختصاص می‌دادیم بسیار بهتر بود و امروز این را در آینده امیدواریم که در آینده نیز از این برهان مرصان بگیریم.